



• درآمد

محمود مخبری با علاقه و پیگیری، پژوهش در باره تاریخ انقلاب، علی الخصوص تاریخ شفاهی را ادامه داده و در این راستا، تحقیق در باره شهید عراقی را جهت تهیه مجموعه‌ای داستانی از آن شهید بزرگوار به عهده گرفته است. وی با علاقه در مصاحبه‌های این ویژه‌نامه شرکت کرد و مقاله حاضر حاصل پژوهش‌ها و تجربه‌های او در این زمینه است.

■ محمود مخبری قمشه

چرا او به تنهایی بیست نفر بود...؟

در پی این ماجرا، شهید عراقی با انجام اقداماتی به دیدار آیت‌الله کاشانی می‌رود و در صحبت با ایشان، تلاش می‌کند نظرشان را برای آزادی فدائیان و جلوگیری از تبعید آنها جلب نماید. در دی ماه ۱۳۳۰، شهید عراقی به همراه عده‌ای از همفکران فدائیان اسلام، به بهانه ملاقات با زندانیان، به زندان قصر می‌رود و در آنجا تحصن می‌کند که به دستگیری و زندانی شدن همه آنها می‌انجامد و خود او هم حدود ۷ ماه زندانی می‌شود.

۳. برنامه ریز و مدیر:

برای تبیین این ویژگی، از میان رویدادهای گوناگون فقط به چند نمونه اشاره می‌شود:

در جریان تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و به منظور اعتراض به رفتارندوم شاهانه و بازپس‌گیری این لایحه توسط دولت، به همت حاج مهدی عراقی، جلسات سخنرانی افشاگرانه‌ای در مسجد حاج سید عزیزالله بازار تهران برگزار شدند. این نوع اقدامات مبارزان، در آگاه‌سازی مردم، تاثیر قابل توجهی داشت.

در پی شکل‌گیری جمعیت مؤتلفه اسلامی در اوایل سال ۱۳۴۲ که از ائتلاف چند گروه همسو، با اهداف یکسان و با هدایت امام (ره) به سرانجام می‌رسد، عراقی که در یکی از این گروه‌ها حضور دارد، به اتفاق قیبه افسراد تصمیم می‌گیرد با توجه به نزدیکی محرم، سخنران‌های انقلابی را دعوت کند و در کنار آن اعتراضات علنی و جمعی را نیز برنامه‌ریزی و پس از اذن امام، راهپیمایی عاشورای سال ۴۲ را مدیریت می‌کند. در آن روز، مردم از مسجدحاج ابوالفتح در میدان قیام تهران، با شعارها و نوحه‌هایی مناسب شان عاشورا و با اشاره به مسائل روز، به سمت دانشگاه تهران حرکت می‌کند. در این مراسم، صحنه گردان اصلی، شهید حاج مهدی عراقی است که در فواصل راهپیمایی سخنرانی‌هایی را نیز ایراد و به فرزندم قلابی شاه اشاره می‌کند و می‌گوید: «بیانید رفتارندوم حقیقی را ببینید». در مسیر بازگشت، راهپیمایان در مقابل کاخ مرمر، علیه شاه شعار می‌دهند و سپس چند نفر از جمله عراقی برای ارائه گزارش به امام، به قم می‌روند.

لازم به ذکر است بعد از حادثه ۱۵ خرداد سال ۴۲ و در ایام بازداشت و تحت نظارت بودن امام (ره)، عراقی و برخی دیگر از یاران مبارز، طراحی و تشکیل جلسات روشنگرانه در ماه مبارک رمضان در مسجد جامع بازار تهران را تدارک می‌بینند و با پیش‌بینی‌هایی، در خصوص سخنران‌های پشتیبان، برنامه را تا حدود ۲۷ شب اجرا و اداره می‌کنند.

۴. فدایی امام:

دوم فروردین سال ۱۳۴۲، مصادف با سالروز شهادت امام جعفر صادق (ع)، مراسمی از سوی حضرت آیت‌الله گلپایگانی، در مدرسه فیضیه برگزار می‌شود. در حین سخنرانی خطیب، حادثه درگیری آغاز می‌شود. شهید عراقی و برخی دیگر از یاران امام (ره) که در مراسم حاضرند، به حمایت از طلاب و حفاظت از منبر، تریبون و حضرت آیت‌الله گلپایگانی می‌پردازند، ناگهان شهید عراقی متوجه احتمال حمله به منزل

از فدائیان اسلام مانند امامی و ابوالقاسم رفیعی، با برخی افراد دیگر طرفدار مصدق به همراه خود مصدق جلوی کاخ دربار و خانه ملت می‌آیند و به حمایت می‌پردازند. از نتایج این کار، توافق ملیون با شاه در متن اولیه و تأسیس جبهه ملی در هسان روز بود که به افزایش مقبولیت عمومی و اجتماعی مصدق و یاران او یاری رساند. تقلب در نتایج آرای انتخابات مجلس شانزدهم به وسیله حامیان وکلای دولتی فضایی را در کشور حاکم کرد که در ۱۳ آبان ۱۳۲۸، به ترور هژیر (نخست‌وزیر و همکار انگلیسی‌ها در ایران) انجامید و دولت مجبور شد نتایج انتخابات را باطل اعلام کند. این موضوع فرصتی را ایجاد کرد که بعدها ملیون بتوانند در انتخاباتی سالم و جدید به مجلس شورا راه یابند.

۲. اهتمام و پیگیری در امور مبارزان:

در تیرماه سال ۱۳۲۹ زرم‌آرا به نخست‌وزیری می‌رسد و در اظهارات، استعداد و توانمندی‌های ایرانی‌ها را به یاد تسمخ می‌گیرد و به صورت پنهان و آشکار با نهضت ملی صنعت نفت به مخالفت می‌پردازد؛ از این رو با هماهنگی گروه‌های مبارز (فدائیان اسلام، آیت‌الله کاشانی، مصدق و ملیون)، اعدام انقلابی زرم‌آرا توسط خلیل طهماسبی (از اعضای فدائیان اسلام) انجام می‌پذیرد. عراقی که در تشکیلات عملیاتی این اعدام انقلابی حضور دارد، در پی دستگیری استاد خلیل طهماسبی، نزد آیت‌الله کاشانی می‌رود و همچون دیدارهای پیشین درباره مسائل روز با ایشان صحبت می‌کند و با اشاره

■ ■ ■

حاج مهدی از دوران نوجوانی و جوانی، دنبال دستیابی به اخبار و اطلاعات روز جامعه و تحلیل‌های بزرگان در هیئت‌ها بود. او همچنین نسبت به بی‌عدالتی و ظلم حاکم بر جامعه بسیار حساس بود. رویدادهای سال‌های آخر مدرسه سبب شد که با شخصیت و اندیشه نواب صفوی و فداییان اسلام آشنا شود. این آشنایی تا آنجا پیش رفت که مدتی بعد به عضویت مرکزی جمعیت فدائیان اسلام درآمد و حضور در فعالیت‌های اجتماعی را آغاز کرد.

یکی دو روز بیشتر از پایان ماه مهمانی خدا و عید فطر نگذشته بود که سفیر گلوله‌های خوراج کج‌فهم در محله زمر، دل خیلی‌ها را تکان داد. می‌گفتند: حاج مهدی را زدند. امام خمینی (ره) در این زمان هنوز در قم مستقر هستند و چند کار را تدارک می‌بینند و انجام می‌دهند. اول آنکه در ازدحام جمعیت تشییع‌کننده پیکر شهید عراقی و فرزند پرومندیش حسام و یک سرهنگ از نیروهای مسلح که در سفر به شهادت رسیده بود، ایشان نیز از میدان سعیدی تا نزدیک صحن حرم مطهر حضرت معصومه (س) حاضر می‌شوند. دوم، خانواده شهید عراقی را در دیداری مورد عنایت قرار می‌دهند و سوم، در آخر شب، در صحن مطهر حرم، بر سر مزار یار و همراه دیرینه خود حضور می‌یابند. حضرت امام هنگامی که در میان خانواده شهید حاج مهدی عراقی زبان به سخن می‌گشایند، به آشنایی حدود بیست ساله با حاج مهدی اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «مهدی عراقی یک نفر نبود، او به تنهایی بیست نفر بود. حاج مهدی عراقی، برادر و فرزند خوب و عزیز من بود...»

در این مقال که کوششی به منظور فهم بیشتر بیان فوق برای نگارنده است، خواننده محترم را نیز به ذکری در این خصوص دعوت می‌نماید که آیا او به راستی، به تنهایی بیست نفر بود. شاید فعالیت‌های شهید عراقی در طول سال‌های مبارزه، از زمان نواب صفوی تا زمان شهادت و نیز حضور او در برنامه‌های کاری آن قدر پر تعداد، پر رنگ و پر محتواست که به جای بیست نفر، کار انجام داده است. خداوند متعال در قرآن کریم نیز در خصوص غلبه مومنین صابر و پایدار بر اهل کفر چنین می‌فرماید: «ای پیامبر! مؤمنان را به جهاد برانگیز. اگر از [میان] شما بیست تن شکیبا باشند، بر دویست تن چیره می‌شوند و اگر از شما یک‌صد تن باشند، بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند، زیرا آنان قومی اند که نمی‌فهمند.» (انفال آیه ۶۵، ترجمه فولادوند).

هنگامی که همراهان، دوستان و نزدیکان شهید عراقی درباره ویژگی‌های فردی و اخلاقی او سخن می‌گویند، روشن می‌شود که او در زمره انسان‌های نخبه و برتر و دارای ویژگی‌هایی است که در میان معاصران او کمتر دیده می‌شود در ذیل به صورت اختصار به بیست شاخصه و ویژگی ایشان اشاره می‌شود.

۱. فعالیت و شور مبارزه:

حاج مهدی از دوران نوجوانی و جوانی، دنبال دستیابی به اخبار و اطلاعات روز جامعه و تحلیل‌های بزرگان در هیئت‌ها بود. او همچنین نسبت به بی‌عدالتی و ظلم حاکم بر جامعه بسیار حساس بود. رویدادهای سال‌های آخر مدرسه سبب شد که با شخصیت و اندیشه نواب صفوی و فداییان اسلام آشنا شود. این آشنایی تا آنجا پیش رفت که مدتی بعد به عضویت مرکزی جمعیت فدائیان اسلام درآمد و حضور در فعالیت‌های اجتماعی را آغاز کرد. از آن جمله، در جریان تشکیل مجلس سنا و تغییرات قانون اساسی توسط محمدرضا پهلوی و انتخابات مجلس شانزدهم، عراقی و تعداد دیگری

و کشیدن ناخن‌های دستش، قضیه تهیه اسلحه را به نحوی هدایت می‌کند که فرد دیگری به خاطر آن دستگیر نشود و مسئولیت تهیه اسلحه را متوجه خود می‌سازد و می‌گوید که این اسلحه را شهید نواب صفوی به او داده و پهلویش مانده است. وی نحوه تهیه و ساخت نارنجک‌ها را نیز به همین روش به یکی از اموات منتسب می‌کند.

۱۱. مبلغ و متدین :

پس از شهادت چهار محکوم اول پرونده منصور، در ۲۶ خرداد ۱۳۴۴، شهید عراقی و هاشم امانی و عده‌ای دیگر را که به زندان‌های ابد و ۵ تا ۱۵ سال محکوم شده بودند، به زندان می‌فرستند. در ابتدا مسئولین زندان قصر آنها را به بند زندانیان عادی و غیرسیاسی که قاچاقچی، سارق و قاتل در آن بودند، می‌فرستند. عراقی به مسئولین زندان هشدار می‌دهد، اما آنها وقعی نمی‌نهند. عراقی در بند ۹ زندان، برای زندانیان، برنامه‌های مذهبی و انقلابی تدارک می‌بیند، از جمله در خصوص آزادی زندان واقعی و زندانی شدن پایین دستی‌ها و نیز ضرورت برپایی مراسم مذهبی مانند نیمه شعبان سخن می‌گوید. پس از هماهنگی‌های او امکانات جشن و پذیرایی با شیرکاکائو و شیرینی زبان برای بند ۹ تهیه می‌شود و با هماهنگی مسئولین زندان، پذیرایی بقیه بندها نیز به نوبت مشخص انجا و باعث رشد فکری و اعتقادی زندانیان می‌شود. بعدها در بند زندانیان سیاسی، بیدار کردن افراد به روش‌های جالب و اثرگذار برای نماز صبح از جمله کارهای شهید عراقی است.

۱۲. از خود گذشته و ایثارگر :

حاج مهدی با آنکه می‌توانست اوقات زیادی را به مطالعه و یادگیری علوم، به‌ویژه علم اقتصاد که بسیار به آن علاقه داشت و کتب مربوطه را می‌خواند و با یکی از زندانیان سیاسی دیگر هم مباحثه بود و در این یادگیری تلاش و علاقه فراوانی داشت، لیکن با توجه به بد بودن غذای زندان تصمیم می‌گیرد جیره زندانیان بند مربوطه را بگیرد و برای آنها غذا درست کند. چندی بعد این موضوع برای کل زندان عملی شد و شهید عراقی به عنوان آشپز و ناظر آشپزخانه، ساعات بسیاری را صرف این امر کرد و همین منش او باعث محبوبیت و مقبولیت بیشتر او نزد همه اقشار زندان شد.

۱۳. مقاوم و پایدار :

در دوران ریاست سرهنگ زمانی کج خلق بر زندان، چهار نفر از سران گروه‌های مبارز از جمله شهید عراقی را برای زهرچشم گرفتن و شکنجه انتخاب می‌کنند تا با کتک زدن، آنها را به "غلط کردن" بینازند. از آن چهار نفر، سه نفر، کتک خورده یا نخورده، می‌گویند "غلط کردم". اما عراقی در زیر ضربات ماموران شکنجه‌گر، سه بار غش می‌کند و همواره نسبت به اظهار "غلط کردن" مقاومت می‌کند تا سرانجام می‌گویند: "برای چه باید بگویم غلط کردم؟" که با توجه برخی از مامورین، شکنجه‌گران او را رها می‌کنند.

از دیگر فعالیت‌های شهید عراقی و همراهان او، دست برداشتن از انتشار افکار خود در زندان بود که با پخش اعلامیه وبا ورود و خروج آن از زندان در پوشش‌های مختلف، سعی بر زنده نگاه داشتن روحیه مقاومت در میان مبارزان داخل و خارج از زندان داشتند و هیچ‌گاه زیر بار نوشتن یا گفتن ندامت نسبت به کارهای خود نرفتند.

۱۴. یاور نیازمندان :

مادامی که زندانیان سیاسی مسلمان مانند مولفه اسلامی و حزب ملل اسلامی در یک بند حضور داشتند، صندوقی توسط عراقی تشکیل شد که هر فرد هر چه در توان داشت و می‌خواست به آن بریزد تا برای کل بند و زندانیان نیازمند از آن هزینه شود. مثل این روحیه زمانی است که عراقی در سال ۱۳۵۸ در روزنامه کیهان به عنوان مسئول مالی فعالیت اساسی خود را شروع می‌کند و فاصله طبقاتی بین مجموعه کارمندان کیهان را از بین می‌برد و حاصل تلاش‌های او در همان مدت کوتاه، به خانه دار شدن بسیاری از کارمندان روزنامه کیهان منجر می‌شود.

۱۵. صالح و بزرگوار :

به قول بسیاری از مبارزان، عراقی برای زندانیان چون یک مشاور، برادر و حتی پدری مهربان بود که با آنها سخن می‌گفت

در راه پیمایی روز عاشورا سال ۴۲، حاج مهدی به همراهی برخی دیگر از اعضای مولفه اسلامی، با برخی از سران خاص (الواط) در تهران دیدار می‌کنند تا در پی تحریک رژیم، مراسم عاشورا را برهم نریزند، از آن جمله با شهید طیب حاج رضایی که شهید عراقی در ملاقاتی حضوری، او را از اصل ماجرا و فرمایش امام (ره) در مورد آنها باخبر می‌سازد. طیب دستور نصب عکس بزرگ حاج آقا روح الله را بر پرچم‌ها و دسته خود می‌دهد و این اتفاق، نقطه عطفی در زندگی او می‌شود و او را وارد مسیر آزادی می‌کند.

می‌کنند و متعاقب آن، دستگیری و تبعید امام (ره) در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ صورت می‌گیرد.

۹. تسلط بر مبارزات مسلحانه :

در اوان دستگیری و تبعید امام خمینی (ره) به ترکیه در آبان ۴۳ و در پی شکل‌گیری شاخه نظامی مولفه اسلامی، طرح اعدام انقلابی سران رژیم بررسی و در مورد حسن علی منصور، نخست‌وزیر وقت، اجرا می‌شود. سامان‌دهی و برنامه‌ریزی برای تمرین در عملیات مسلحانه شامل: تخریب، انفجارات و تیراندازی و...، از فعالیت‌های حاج مهدی عراقی و حاج صادق امانی و چند تن دیگر از اعضای شاخه نظامی بود. در اول بهمن سال ۴۳، حسن علی منصور که از مهره‌های اصلی رژیم و عامل تصویب کاپیتولاسیون در مجلسین (سنا و شورا) و همچنین باعث تبعید امام از ایران بود، در اعدامی انقلابی و با گلوله‌های محمد بخارایی به سزای خیانت خویش می‌رسد.

۱۰. حفاظت گفتار :

در فروردین سال ۴۲ وقتی در تشییع جنازه آیت‌الله سید ضیاءالدین حاج سیدجوادی در قزوین، عراقی و عده‌ای به واسطه پخش اعلامیه دستگیر می‌شوند و مورد بازجویی قرار می‌گیرند. او در این بازجویی‌ها هیچ اشاره‌ای به سوابق مبارزاتی از زمان فدائیان اسلام نمی‌کند و موضوع پس از چند روز ختم به خیر می‌شود. مشابه به این ماجرا در دستگیری او پس از اعدام انقلابی حسن علی منصور پیش می‌آید که به‌رغم بازجویی‌های شدید در زندان موقت (کمیته مشترک بعدی)



امام می‌شود و با همراهان خود به طرف منزل معظم‌له حرکت می‌کند. در همین زمان، شهید عراقی فردی را برای تهیه چاقو روانه بازار می‌سازد. آنها وقتی به خانه امام (ره) می‌رسند، طبق نظر ایشان، کسی نباید داخل خانه بماند، لذا یاران در کوچه می‌مانند و شهید عراقی به همراه یاری دیگر به زیرزمین منزل امام می‌رود تا چوب‌هایی را از لبه آنجا به سمت حیاط قرار دهند، بردارد. امام متوجه صدا و حضور افرادی در منزل می‌شوند، در اتاق خود را باز می‌کنند و به آنها تذکر می‌دهند که مگر نگفتم بروید؟ در این بین شهید عراقی با بغضی در گلو، سریع پاسخ می‌دهد: «وظیفه ما چیست؟» این مکالمه ادامه می‌یابد تا آنکه امام سکوت می‌فرماید و به داخل اتاق می‌روند. عراقی و همراهش نیز از منزل خارج می‌شوند و حراست از منطقه سکونت امام (ره) را به دست می‌گیرند.

۵. نفوذ و گیرایی کلام :

پیرو راه‌پیمایی روز عاشورا در خرداد سال ۴۲، حاج مهدی به همراهی برخی دیگر از اعضای مولفه اسلامی، با برخی از سران خاص (الواط) در تهران دیدار می‌کنند تا در پی تحریک رژیم، مراسم عاشورا را برهم نریزند، از آن جمله با شهید طیب حاج رضایی که بردارش (مسح خان)، از همکاران حاج مهدی بود. شهید عراقی در ملاقاتی حضوری، او را از اصل ماجرا و فرمایش امام (ره) در مورد آنها باخبر می‌سازد، طیب نیز دستور نصب عکس بزرگ حاج آقا روح الله را بر پرچم‌ها و دسته خود می‌دهد و این اتفاق، نقطه عطفی در زندگی او می‌شود و او را وارد مسیر آزادی می‌کند. همچنین حسین رضوی یخی را نیز برای جلوگیری از بی نظمی در مراسم، مطلع و آگاه می‌سازند و حتی در روز راه‌پیمایی ناصر جگرکی و دسته همراه او را نیز در همان ابتدای مسیر کنترل و هدایت می‌نمایند و مراسم با نظم و برنامه به پایان می‌رسد.

در ماجرای دیگر، برای طراحی سخنرانی‌های متحدالکلام در ایام محرم سال ۴۲، باید شیخ‌الواعظین (مرحوم فلسفی) را نیز به موضوع آگاه و وی را هماهنگ می‌سازند، لذا در جلسه‌ای شهید عراقی، مرحوم فلسفی را مورد خطاب نافذ خود قرار می‌دهد و ایشان نیز به حاج مهدی تفقد ویژه‌ای می‌کند. بعد از مراسم راه‌پیمایی عاشورای ۴۲ نیز برای جلوگیری از سوءاستفاده و انحراف از برنامه و هدف اصلی، حاج مهدی با مرحوم آیت‌الله طالقانی تماسی برقرار می‌کند و ایشان را نسبت به حرکات مشابه و جعلی آگاه می‌سازد و در نتیجه اقدام مناسب آیت‌الله طالقانی در مسجد هدایت از توطئه جلوگیری می‌شود.

۶. پویایی :

صبح روز پانزدهم خرداد سال ۴۲، در بزنگاه اقدام شوم رژیم، نقش موثر عراقی و برخی دیگر از یاران امام (ره) در موقعیت‌های مختلف بازار و بنگاه‌های کاری در تهران و برخی شهرستان‌ها موجب می‌گردد که مردم و کسبه از دستگیری امام (ره) در شب قبل، آگاه شوند و این آغاز حرکت مردمی و قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ است.

۷. غیرت :

در اولین سالگرد قیام پانزده خرداد، راه‌پیمایی سال ۴۳ تدارک دیده شد، اما در نزدیک مسجد سپهسالار و چهارراه سرچشمه، مامورین رژیم با راه‌پیمایان درگیر می‌شوند و حدود ۳۸ نفر را دستگیر و به شهربانی منتقل می‌کنند. حاج مهدی که متوجه صحنه نامناسب زمین خوردن خانمی بچه در بغل می‌شود، سریعاً برای کمک به او برمی‌گردد و در نتیجه، مجال گریختن از معرکه را از دست می‌دهد و او نیز به صف دستگیر شده‌ها اضافه می‌شود.

۸. تجربه و کارآمدی :

یاران مولفه اسلامی از جمله شهید عراقی، از طریق رابطی در مجلس، تصویری از لایحه ننگین کاپیتولاسیون (طرح مصونیت مستشاران و اتباع آمریکایی در ایران) را تهیه می‌کنند و نزد امام می‌برند و همین اقدام به سخنرانی و بیانیه مهم امام در آبان سال ۴۳ منجر می‌شود. اعلامیه مذکور، شبانه و بی آنکه حتی یک نفر هم دستگیر شود، توسط شهید عراقی و یارانش در سراسر کشور توزیع می‌شود و آنان جواب سختی به عاملین طرح مذکور می‌دهند و مردم را از ماجرا باخبر

بر زمین را برمی داشت، حال پس از پیروزی انقلاب: رسیدگی به امور زندان قصر را که خود سالها عمرش را در آن سپری کرده بود، به حکم امام (ره) پذیرفت و با انتصاب معظم له، به عضویت شورای مرکزی بنیاد مستضعفان درآمد. او حسب تکلیف و ضرورت، همراه شهید بهشتی، جزو اولین اعضای حزب جمهوری اسلامی و شورای مرکزی آن بود و سپس با پیشنهاد حسین مهدیان (مدیر وقت روزنامه کیهان) مسئولیت مالی روزنامه را متقبل شد و در آن سمت، از هیچ چیز دریغ نکرد و آرایش جدیدی به هیئت تحریریه و قلمپردازان آن روزنامه داد. سرانجام صبح روز چهارم شهریور ۱۳۵۸ در مسیر همین خدمت، وقتی با آخرین فرزند خود و مدیر روزنامه و یک محافظ همراه بود، به معبود خویش (که از خرداد ۴۴ پس از تعلیق حکم اعدام و تبدیل به حبس ابد، به تعویق افتاده بود) رسید و ثمره دلش، حسام را نیز با خود به برین والا و در خط شهادت روانه ساخت.

۱۹. خوش خلق و مستعد:

به رغم تمام ابعاد اجتماعی و مبارزاتی ای که شهید عراقی داشت، طبق گفته خانواده اش، فردی خوش اخلاق، خوش بیان، خوش قلم و خوش خط بود. او در رفتار با مردم، همسر و فرزندان هیچ گاه عصبانی نمی شد و برخورد خشن نمی کرد، متن وصیت نامه او برای خانواده در آستانه حکم اعدام در سال ۴۴ در زندان موقت و متن ها و دست نوشته های باقی مانده از او گواه این زیبایی هاست.

۲۰. عاشق امام و خادم اسلام:

عراقی بعد از شهادت نواب و فترت مبارزین، اکنون پس از رحلت آیت الله العظمی بروجردی، در اولین برخورد با حاج آقا روح الله در قم، گوئی روح جدیدی در کالبدش دمیده می شود و دیگر سسراز پا نمی شناسد و همواره در اطاعت امام (ره) انجام وظیفه می کند. این ویژگی در کلام استاد روحانی و مبارز خدوم، شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی آشکار است: «...مرحوم حاج مهدی عراقی با تمام نشیب ها و فرازهایی که گذراند، تا آخرین روزهای زندگی اش، عشقش امام و آرمان امام و خط امام بود... چنان مشتاق و علاقمند به این انقلاب و خط و آرمان انقلاب و رهبر انقلاب بود که در آخرین مقاطع زندگی اش نیز شیفته همین راه و فداکار و ایثارگر همین راه بود».

امید که با نثار این جان های عزیز، انقلاب اسلامی در مسیر حقیقی ظهور آخرین منجی تداوم یابد و در بلندای افتخار جهان قرار گیرد. ان شاء الله. ■

منابع و مآخذ:

۱. پیشکشوت انقلاب (باران امام به روایت اسناد ساواک)، کتاب ۱۲، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات
۲. ناگفته ها، خاطرات بیان شده شهید عراقی در پاییز ۱۳۵۷ پاریس، موسسه خدمات فرهنگی رسا
۳. آشنایی با جمعیت مؤتلفه اسلامی، بادامچیان، انتشارات اندیشه ناب
۴. شکوه پایداری، زندگی نامه شهید حاج مهدی عراقی، معصومه انصاریان، سوره مهر
۵. نقش فدائیان اسلام در تاریخ معاصر ایران، روح الله حسینیان، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۶. روزنامه جمهوری اسلامی تاریخ های: ۵۸/۶۵ - ۶۳/۶۳ - ۸۰/۶۶
۷. صحیفه حضرت امام (ره)
۸. حدیث ولایت
۹. مسی به رنگ شفق (خاطرات و مبارزات سید کاظم موسوی بجنوردی)، علی اکبر نجبر کرمانی، نشرنی
۱۰. مصاحبه با: همسر و فرزندان شهید عراقی، حسین مهدیان، ابوالفضل توکل یبنا، محسن رفیق دوست، ابوالفضل حاجی حیدری، هاشم امینی، حبیب الله عسگر اولادی
۱۱. روز شمار تاریخ ایران، باقر عاقلی، نشر نامک
۱۲. هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب (۲ جلدی) غلامرضا کرباسچی، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی



فرانسه، سفر کوتاه و چند روزه ای را برای دیدار مراد خویش تدارک می بیند. شهید بهشتی که از اقدام او با خبر شده، پیشنهاد مدیریت بیت امام (ره) در نوفل لوشاتو را به او می دهد و این سفر کوتاه به دو سفر بلند تبدیل می شود و حفاظت از بیت و محل اسکان امام (ره) - قبل و بعد از حضور نیروهای پلیس فرانسه - تدارکات و پذیرایی همراهان و مهمانان نوفل لوشاتو، هماهنگی بسیاری از امور خاص و جاری در محضر امام (ره) و به عبارتی مدیریت داخلی بیت معظم له بر عهده شهید عراقی قرار می گیرد و حتی تنظیم نهایی لیست مسافرین پرواز انقلاب با مشورت ایشان صورت می پذیرد. عراقی که ساعات بسیاری را در اطراف امام (ره)، در نوفل لوشاتو و برای

در بهمن ۱۳۵۵، عراقی پس از تحمل ۱۳ سال اسارت در بند رژیم پهلوی، حال باید کمی هم به خانواده و کسب و کار خویش بپردازد، ولی پس از مدتی، با رفتن امام (ره) از عراق به فرانسه، سفر کوتاه و چند روزه ای را برای دیدار مراد خویش تدارک می بیند. شهید بهشتی که از اقدام او با خبر شده، پیشنهاد مدیریت بیت امام (ره) در نوفل لوشاتو را به او می دهد.

محافظت از ایشان و هماهنگی امور می گذراند، در دوازدهم بهمن سال ۵۷ وقتی هوایمای حامل امام (ره) و یاران ایشان، به فرودگاه مهرآباد می رسد، قبل از خروج معظم له از هوایما، با نهایت خطر پذیری از هوایما خارج می شود و سپس داخل هوایما می رود تا امام خمینی (ره) در آن صحنه به یاد ماندنی روی پلکان هوایما پدیدار شوند و این همراهی پر دغدغه از فرودگاه مهرآباد تا حفاظت و هماهنگی امور و ملاقات ها و... در مدرسه رفاه و علوی و از آنجا تا قم ادامه می یابد.

۱۸. تواضع و فروتنی:

او که در طول سالها مبارزه و بند زندان های پهلوی، هر جا که احساس تکلیف می کرد، وارد میدان می شد و بارهای مانده



و بر قوت قلب و ایمان و امید آنها می افزود. حتی در سال ۵۴ و پس از آشکار شدن تغییر رویه سازمان مجاهدین (منافقین) در زندان، عراقی ضمن رعایت فتاوا و دستورات اسلامی، سعی بر جذب و برگرداندن برخی از عناصر آن سازمان به اسلام راستین داشت، هر چند در اوایل آن سال در پی یکی از دیدارهای محسن رفیق دوست با او در زندان، عراقی به وی توصیه کرد که: «همه تخم مرغ هایمان را در سبد آنها (سازمان مجاهدین) قرار ندهید». اخلاق نیکوی حاج مهدی به حدی تاثیرگذار بود که حتی برخی از ماموران زندان نیز به او علاقمند شده بودند و او را به بزرگواری می شناختند. عراقی هیچ گاه به مکه مکرمه مشرف نشد، اما در بین همگان با نام "حاج مهدی" شهرت داشت و جای بسی تأمل است برای اهل فکر که در این گفته فرزند بزرگ او ببینند که: «در سفر حج سال ۱۳۶۰، حدود ۶۰ نفر به نیابت از حاج مهدی به حج مشرف شده بودند»!

۱۶. ارتباطات گسترده:

ارتباطات عراقی با گروه های اسلامی مانند: حزب ملل، منصورون، بشیر، توحیدی صفدر داخل زندان و پس از آزادی در خارج از آن، نشان از حرکت مثال زدنی او به پیروی از مراد خویش، حاج آقا روح الله داشت تا همه نیروهای مبارز، متفکر و آزاداندیش را در صفی واحد، برای هدف والای امام (ره) هماهنگ نماید. از جمله آن ارتباط دادن شهید محمد بروجردی با برخی از یاران مؤتلفه اسلامی بود تا جایی که در روز ۱۲ بهمن سال ۵۷، حفاظت جایگاه سخنرانی امام (ره) در بهشت زهراي تهران بر عهده همین مجموعه ها قرار گرفت. ارتباط ایشان با مرحوم شریعتی و داریوش فروهر و برخی از طبقات خاص نهضت آزادی به ویژه در سال های آخر مبارزه نیز برای همان اتفاق عظیم در بهمن ۵۷ بوده است. در دوران شکل گیری نظام نیز می توان به اقدامات ایشان مانند برقراری ارتباط برخی از نیروهای مؤثر ارتش یا امام (ره) که منجر به احیای ارتش جمهوری اسلامی ایران می شود و نیز به بسیاری دیگر از امور اشاره نمود.

۱۷. پاکباز:

این وصف در کلام رهبر معظم انقلاب در بیانات ایشان در سال ۸۰ نسبت به شهید عراقی آمده است.

در بهمن ۱۳۵۵، عراقی پس از تحمل ۱۳ سال اسارت در بند رژیم پهلوی، حال باید کمی هم به خانواده و کسب و کار خویش بپردازد، ولی پس از مدتی، با رفتن امام (ره) از عراق به